

فرایند طنز در هنر دینی

گفتگو با استاد حق جو

می‌شود و گاهی به صورت انتقاد و پیشنهاد و گاهی به صورت مناظره هست.

یکی از روشها نیز روش طنز است که باید جامع تمام این شیوه‌ها باشد، هم علمی باشد، هم تنوع ذهنی برای طرف به وجود بیاورد و هم از طریق اصول هنری از خصوصیت برخوردار باشد، اینکه ما فکر کنیم طنز همیشه باید مطالب عمیق و علمی را به صورت خنده‌دار و تمسخرآمیز مطرح کند به نظر بنده اشتباه است بلکه طنز باید تبسمی بوجود آورد که زمینه تعقل و پذیرش باشد.

در رابطه با مفهوم طنز گرچه همراه با خنده است ولی نباید خنده به گونه‌ای باشد که پیام طنز فراموش شود و شخص به گونه‌ای در خنده غرق شود که از اهداف طنز غافل گردد.

از نظر لغوی طنز را مسخره کردن، خندانیدن، نیش زدن معنا کرده‌اند. و همچنین ناز کردن به صورت طنزای و تعاریف مختلفی برای مسئله شده ولی اینها را باید مقداری تخصیص زد. در رابطه با مفهوم طنز گرچه همراه با خنده است ولی نباید خنده به گونه‌ای باشد که پیام طنز

■ ضمن تقدیر و تشکر از این که دعوت ما را برای انجام مصاحبه پذیرفتید، به عنوان اولین سؤال بفرمایید که ماهیت طنز چیست؟ و آیا با شوخی فرق دارد یا نه؟

□ بسم الله الرحمن الرحیم، خداوند در قرآن می‌فرماید: «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم» یعنی به انسان آنچه را نمی‌دانست، آموخت. یکی از شیوه‌ها و روشهایی که قرآن برای آموزش و اندیشیدن ذکر می‌کند بیان هست و برای انتقال مفاهیم، روشها و متدهای مختلفی را می‌توانیم مورد بررسی و بحث قرار بدهیم.

یکی از روشها: روش استدلال است که برای مجامع علمی، دانشگاهی، پژوهشی، دانشجویان و طلاب مورد استفاده قرار می‌گیرد.

روش دوم: تاریخ نگاری است، داستان‌گویی برای سنین مختلف با تغییر سطوح مختلف داستان تحلیلی تحقیقی. گاهی طراحی کاریکاتور خالی از خنده مطرح می‌شود. با نقاشی مفاهیم منتقل می‌شود، بعضی نقاشی‌ها پیامهای عمیق، بعضی ظاهری (و ساده برای بچه‌ها و سنین پائین) و بعضی دارای پیام نارسا می‌باشند.

گاهی همین مفاهیم از طریق شعر، نمایش و فیلم القا



فراموش شود و شخص به گونه‌ای در خنده غرق شود که از اهداف طنز غافل گردد.

ما اگر می‌خواهیم یک یا دو نقطه منفی را در فرد و یا در کار کرد یک اداره و نهاد مطرح کنیم باید مسائلی را با مقدمات قضیه یا حواشی مطرح کنیم تا وانمود شود که این آقا ده جهت مثبت دارد و حالا دو تا نقد هم روی او هست.

اگر طنز به معنای نیش زدن باشد، باز نیش نباید آن طور باشد که حالت پذیرش از شنونده یا بیننده گرفته شود، نیش نباید آتقدر تند شود، که طرف حوصله نکند بشنود و توان روحی برای پذیرش و شنیدن مطلب را نداشته باشد، پیام طنز باید غیر مستقیم باشد، یعنی اگر چه از یک فرد است ولی مصادیق آن باید دیگران را هم شامل شود. اگر طنزازی دارد طنز می‌گوید و فرد مورد نظر او هم در اینجا حضور دارد باید طنز را به طور غیر مستقیم مطرح کند که علاوه بر آن فرد مورد نظر او، شامل دیگران هم بشود، تا طرف بتواند مطلب را بطور طبیعی تلقی کند. نه احساس کند که او مستقیماً مورد خطاب قرار گرفته است. طنز در عین حال که گاهی ممکن است موجب مسخره شدن دیگران باشد و یا افراد را مسخره کنیم باید آموزشهایی را هم موجب بشود. زمینه ساز آموزش منفی اخلاقی نباشد، طنز باید زمینه گرایش به بیهوده گرایی نباشد و مخاطب از طنز استفاده‌ای مثبت ببرد، نه منفی در ذهنش پیوسته منفی تلقی بشود.

وقتی کسی طنز می‌گوید باید مواظب باشد روحیه بدبینی در افراد و کارگزاران بوجود نیاید. سوء ظن و بدبینی نسبت به کارگزاران نیز بوجود نیاید.

اگر طنز، جامع اندیشی افراد را خدشه‌دار کند حال مگس پیدا می‌کند بعضی از طنز گویان همه‌اش در نقاط منفی فرد می‌نشینند و آنرا مطرح می‌کند. کسی که با این افکار پرورش پیدا کند کم‌کم جامعیت در نظرش نمی‌آید.

همیشه به جهات منفی نگاه می‌کند؛ طنزگو نباید منفی‌گرا باشد، منفی‌گرایی را نیز در مردم نباید تقویت کرد تا از گاه کوه ساخته شود.

■ **طنز همان نقد است بالاخره ما باید عیوب را مورد خطاب قرار دهیم چطور می‌فرمائید روی عیبها تکیه نکنید. آیا منظور این است که همان طور که عیبها را می‌گوئیم خویبها را با زبان دیگر بیان کنیم. یا اینکه طنز را روی خویبها ببریم؟**

□ **ما اگر می‌خواهیم یک یا دو نقطه منفی را در فرد و یا در کار کرد یک اداره و نهاد مطرح کنیم باید مسائلی را با مقدمات قضیه یا حواشی مطرح کنیم تا وانمود شود که این آقا ده جهت مثبت دارد و حالا دو تا نقد هم روی او هست. در آیات و روایات نیز همین سیره را می‌بینید. قرآن وقتی فردی را مورد عتاب و خطاب قرار می‌دهد. می‌گوید: «یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل.»**

این یک نقد است که چرا مال باطل می‌خوری؟



ولی اول نقاط مثبت مطرح می‌شود «ای ایمان آوردندگان».

به عکس، گاهی اول خطاب طنزی و انتقادی است و بعد می‌گوید اگر کار خوب انجام دادی «جنات تجری من تحتها الانهار» معلوم می‌شود که چه قبل و چه بعد و چه حین طنز باید مطلب را، طنز را، انتقاد را طوری مطرح کرد که بیننده و شنونده دید جامعی نسبت به مسئله پیدا کند نه اینکه فقط روی نقاط منفی برود.

■ تفاوت طنز و لهو را توضیح دهید.

طنز یک جلوه لهو است با این تفاوت که لهو در آن هدف نیست... در طنز هدف مثبت مدنظر است، اگر طنزی گفتیم که هدف منفی داشت، از لهو بدتر می‌شود و در آیات و روایات مورد سرزنش و نکوهش است و اگر ما طنزی گفتیم که جهت مثبت داشت این خوب است طنز هدفش عالی است. گاهی طنزها مطلبی بیان می‌کنند که معنی لعب دارد، بازی است، بازی که نتیجه مثبت بالائی ندارد مثل بچه‌ای که ساختمانی با آجر بسازد و بعد خراب کند نتیجه‌ای نمی‌گیرد. انرژی بیهوده‌ای صرف شده است اگرچه صرف وقت کرده ولی طنز در عین حال که بازی و تفریح است باید نتیجه والایی داشته باشد. طنز گاهی شامل لهو الحدیث هم می‌شود...

طنز با مسخره کردن فرق می‌کند. اگر کسی طنز می‌گوید گاهی طرف مسخره میشود اما هدف عالی در بین است مثلاً کسی را اعدام می‌کنیم برای چی؟ درست است اعدام و قتل نفس حرام است اما چون اثر اجتماعی

بالاتری بر آن مترتب است ما او را می‌کشیم یا او را شلاق می‌زنیم در حالی که اگر فردی را در حالت عادی سیلی بزنیم باید دیه بدهیم اما وقتی شلاق می‌زنیم بدن او سیاه می‌شود از حال هم می‌رود چون این کار نتیجه بالاتری دارد. پسندیده است پس طنز اگر مسخره کردنی باشد که نتیجه بالایی نداشته باشد این طنز نمی‌شود در عین حال دروغ گفتن هم نیست اگر طنزی باشد که به عنوان دروغ مطرح است. ولی هدف بالاتری در نظر است اشکال ندارد طنز از مواردی است که مجوز دروغ است. چرا به خاطر اینکه دروغ همیشه حرام نیست در چندین مورد دروغ گفتن جایز و لازم است. و نگفتنش حرام است.^(۱)

اگر طنز ریشخند کردن و تمسخر کردن یک فرد و توهین به اوست در عین حال چون هدف بالاتری در نظر است این از استثنائات توهین است.

■ فرمودید اگر هتک حرمت بشود اشکال ندارد. برخی معتقدند در طنز مخاطب ما شخصیت طرف نیست بلکه آن نقصی که در کار او مدنظر است از اینجا ما باید بگوئیم که هتک حرمت نمی‌شود یا هتک حرمت می‌شود و اشکالی ندارد؟

□ همان حسن فاعلی و قبح فاعلی در نظرتان هست. بله اگر کسی تخلفی می‌کند درست است که تخلف از فرد صادر می‌شود و ما هم آن فرد را مورد نظر قرار می‌دهیم بلکه اگر بگوئیم پزشکان چنین کردند. پزشکان اینستوری‌اند شخصیت می‌شود، شخصی



■ **فرق طنز با شوخی چیست؟ آیا می شود گفت طنز گاهی با شوخی قاطی است یا طنز همان شوخی است؟**

□ اهدافی که در طنز است در شوخی نیست. یا حداقل می شود گفت اهدافی که طنز دارد خیلی بالاتر از شوخی است.

گاهی در بحث شوخی علماء اخلاق گفته اند که ممکن است که کسی شوخی کند بصرف اینکه طرف بخندد. هیچ پیامی در آن نیست می خواهد مشکل و نگرانی روحش را حل کند. این خوب است.

اما طنز با گستره ای که دارد می بینیم خیلی نتیجه دارد هر قدر نتیجه طنز بالا رود از لعب و لهو الحدیث و مسخره و حتی شوخی افکش بالاتر می رود. هر چه پائین باشد به آنها ملحق می شود و اثر الهی دنیوی و اخروی آن کم می شود.

■ **طنز با گستره ای که دارد می بینیم خیلی نتیجه دارد هر قدر نتیجه طنز بالا رود از لعب و لهو الحدیث و مسخره و حتی شوخی افکش بالاتر می رود.**

■ **اهداف طنز مفید چیست؟**

□ با این اهداف که برای طنز به عنوان یک هنر مهم مطرح است، اگر ما با این اهداف کار کنیم مثلاً یکی از اهداف طنز امر به معروف است. همین امر به معروف و نهی از منکر میشود طنز واجب حتی گاهی مستحب و مکروه و مباح هم نیست.

نمی شود اگر شخص مورد نظر باشد یک بحث دارد. اگر شخصیت را در نظر بگیریم مواردی دارد که باید آنها را در نظر بگیریم و یک استثناء هست.

■ **بالاخره اگر ما در مورد یک استاندار یا فرمانداری که نقصی در کارش باشد و نتوانسته کارش را که وظیفه اش بوده انجام دهد طنز بگوئیم به او هتک حرمت کنیم بالاخره او هم ناراحت میشود و ما با بعضی از آقایان مطرح کردیم می گفتند که آیا شما باشید ناراحت نمی شوید و در عین حال که او ناراحت می شود. باز می توانیم بگوئیم چون یک مسئله اهمی در کار هست لذا اشکال ندارد اگر هتک حرمت به شخصیت او شود و او ناراحت هم بشود؟**

□ مخاطبان طنز ما چه کسانی هستند این بحث مفصلی است. یک وقت مخاطب ما در این استاندار و فرماندار مؤثر است این اشکال ندارد مثلاً پیش وزیر کشور از استاندار انتقاد می شود این اشکال ندارد باید این کار را کرد تا وزیر بفهمد استاندارش کار اشتباهی کرده است، اگر ما می خواهیم در فضائی، فردی را زیر سؤال ببریم باید این فضا و زمان و مکان و حالاتی که در این طنز هست با او تناسب داشته باشد مثلاً پدری فرزندش را می زند. این توهین نیست تأدیب است اما یک وقت بچه به پدر می زند این همان هتک مقام میشود موقعیت پدر اقتضایش از نظر اجتماعی این است که بچه را ادب کند. اشکال قانونی، شرعی و عقلی ندارد. اما اگر بچه بخواهد پدرش بزند، چون تناسب عکس شده، نمی شود.

کتابخانه



شخص را به تأمل و فکر کردن وادار کنیم نمی‌پذیرد نیاز به تنوع دارد خداوند هم در جهان هستی صبح و شب و زمستان و تابستان را برای تنوع قرار داده و در مسیر زندگی هم سختیها و خوشیها و نشیب و فرازها برای همین است.

تفریح روحی یکی از اهداف دیگر طنز است، ما می‌خواهیم مطلبی را به فردی القاء کنیم یکی از راهها این است که او را خوشحال کنیم. شاد کنیم، شاد ظاهری که بخندد یا شاد روحی. این تفریح گاهی بصورت حرفهای طنز گاهی با محبت گاهی با مسائل مختلف ایجاد می‌شود.

ممکن است هدف فرد از القای طنز صرفاً اهداف علمی باشد. یا برای انتقال مفاهیم علمی باشد. اگر طنز این خصوصیات را داشته باشد طنز مثبت و مورد تأیید است. اگر چه عنوان، طنز است اما هدف مقدس است.

طنز باید هدفدار باشد. حداقل یکی از آن اهداف در او باشد هر چه آن اهداف در آن قوی‌تر باشد، فایده و نتیجه‌اش بیشتر است. طنز باید زمینه ساز بالندگی و رشد افکار باشد. گر چه سوژه تکراری باشد.

■ بفرمائید خصوصیات این طنز چیست؟

□ طنز باید هدفدار باشد. حداقل یکی از آن اهداف در او باشد هر چه آن اهداف در آن قوی‌تر باشد، فایده و

ما گاهی می‌توانیم از طرق تذکر و توجه و راههای دیگر فردی را متوجه کنیم اما گاهی جز طنز راهی نیست، این یکی از مراتب نهی از منکر است که هم او را بخندانیم هم تذکری به او بدهیم.

یکی دیگر از اهداف گسترش یک فرهنگ مثبت تبلیغ و ارشاد از طریق طنز می‌باشد.

گاهی نیز هدف آن جلوگیری از یک اندیشه منفی، است ما با طنز این اندیشه منفی را به تمسخر می‌گیریم. بعنوان مثال سیگار، مشروب و لباسهای جلف در صدا و سیمای زمان شاه ملعون بعنوان ارزش مطرح بود اما حالا بعنوان یک ضد ارزش جلوه گر است، یک معتاد بعنوان یک انگل ضد ارزش و کم شخصیت مطرح است، کم‌کم این ارزش تبدیل به ضد ارزش واقعی شد.

گاهی هدف طنز تخریب شخصیت و بعد منفی فرد است.

گاهی طنز تقویت افراد دیگر است. افرادی هستند خوب کار می‌کنند افرادی هستند بدکار می‌کنند. ما افرادی را که بدکار می‌کنند به طنز می‌کشانیم تا افراد خوب تقویت شوند.

گاهی هدف طنز تنوع برنامه است مخصوصاً برنامه‌هایی که حالت عمومی دارد مثلاً در سمینارها که معمولاً شخصیتها هستند و وقتشان محدود است و آمادگی پذیرش مطالب علمی خشک را هم دارند جای طنز نیست. ولی وقتی مجلس عمومی داریم بصورت سخنرانی در رادیو و تلویزیون در اینجا اگر بخواهیم



نتیجه‌اش بیشتر است. طنز باید زمینه ساز بالندگی و رشد افکار باشد. گر چه سوژه تکراری باشد.

برای مقابله با فکری که در جو و زمان خاصی از فردی مطرح شده، ما باید ابعاد مختلف آن فکر را مطرح کنیم.

نه در یک بعد حرکت کنیم که شنونده و بیننده ما نتواند آن موارد مختلف را از این اندیشه بدست بیاورد و با آن برخورد کند.

طنز باید در ابعاد مختلف به ارزش‌ها قدرت و نیرو دهد.

طنز باید ابزارش مخالف با اصول اعتقادی نباشد. فرض کنیم اگر می‌خواهیم از دکور، لباس، یا فضائی استفاده کنیم، این ابزاری که استفاده می‌شود باید با مسائل دینی و اجتماعی منافات نداشته باشد.

مخالف با رفتارهای صنف و قبیله و زبان خاصی نباشد. بلکه باید جامع همه گروه‌ها باشد. و جامعیتی به مفهوم بدهد که فقط در یک قشر خاصی اثر نگذارند.

طنز باید بدآموزی نداشته باشد. زمینه‌های منفی ایجاد نشود.

اگر از بعد منفی وارد شویم باید مطالب منفی طوری نباشد که قضیه را تقویت کند مثلاً فیلمهای پلیسی که روش دزدی را یاد می‌دهند. روش باز کردن گاو صندوق، از بین بردن اثر انگشت، اینها آموزش منفی است اگر ما می‌خواهیم بعد منفی یک مسئله را مطرح کنیم، باید به گونه‌ای باشد که بدآموزی نداشته باشد.

طنز نباید ایجاد غفلت کند گاهی افراد آنقدر در وادی طنز می‌روند که غلو می‌کنند. غلو اثر منفی در جامعه دارد و مردم می‌فهمند که اینها دروغ می‌گویند. در نتیجه از دقت‌های کافی در طنز ارزشی جامعه باز می‌دارد.

طنز باید ضریب دقت افراد را زیاد کند نه ضریب تخریب و وازدگی و تفر را بوجود بیاورد طنز باید توهین نباشد دروغ نباشد مسخره نباشد که بیان شد.

جلوه‌های طنز

بعضی فکر می‌کنند گفتن طنز کافی است. صرف گفتار در طنز، ولی به اعتقاد بنده یکی از راههای طنز گفتار است ولی عوامل دیگری هم هست که باید آن عوامل دیگر را هم در کنار گفتار بیاوریم تا طنز تأثیر درست داشته باشد هماهنگی باشد.

جمله بندیها؟ نوع جمله بندی طنزها، باید بیانگر حالات طنز باشد.

انتخاب سوژه

وقتی می‌خواهیم یک فکر و اندیشه و کردار را به طنز بکشیم زاویه این طنز و اندیشه و انتخاب سوژه بسیار مهم است.

ممکن است سوژه تبعات منفی داشته باشد، اما زاویه دید و انتخاب سوژه متناسب با آن فکر و کردار مهم است.

تن صدا می‌تواند روی شنونده تأثیر جالب‌تری داشته باشد اگر فردی طنز بگوید اما با کردار و گفتار او هماهنگ نباشد. ... طبعاً نتیجه لازم را نخواهد داشت.



حالات دست، سر، نشستن، بلند شدن و حرف زدن یکی نیست ما می‌توانیم با این چند عامل طنز را کاملاً جا بیندازیم.

■ حکم طنز در پرتو احکام شرعی را لطفاً بیان کنید؟

□ طنز می‌تواند همان پنج عنوان کلی شرعی یعنی حرام و مستحب و مکروه و مباح و واجب را دارا باشد، ما می‌توانیم بعضی مواقع طنزی بگوییم که حرام یا مکروه و مستحب یا واجب باشد.

اگر طنز دارای هفت ویژگی و خاصیت زیر باشد عنوان حرام بر آن اطلاق می‌شود. اما وقتی قواعد کلی را مطرح کنیم. بعضی از این موارد استثناء می‌شود.

طنز اگر با دروغ، تهمت، توهین، تمسخر، اهانت، بدبینی و غلو کردن همراه باشد حرام است، اگر یکی از این هفت مورد در طنز باشد حرام می‌باشد. با این تفاوت که در بعضی از این موارد ممکن است طنز همراه با یکی از این موارد هم باشد اما واجب و جایز باشد.

مثل مواردی که حکم تابع موضوع است ما قبلاً می‌گوییم گوشت گوسفندی حلال است، اما ذبح شرعی می‌خواهد. اگر ذبح شرعی ضمیمه شد حلال می‌شود اما اگر نشد حرام است.

ذبح در صورتی حلال است که با بسم الله باشد، و رو به قبله و در باشد.

نمی‌شود گفت گوشت گوسفند بدون هیچ شرطی حلال است. هر ذبح شده‌ای حلال نیست باید شرایط

حالت ظاهری فرد به صرف گفتار و حالات او در نمایش و پذیرش طرف موثر است، رنگ لباس رنگ صحنه و حتی رنگهایی که در جوانب این قضیه است متناسب با حرکات طنز رنگ صحنه عوض می‌شود. گاهی حالت شادی است، گاهی گرفتگی و رکود را بوجود می‌آورد که در شنونده و بیننده موثر است. آهنگ‌های مناسب در مخاطب اثر به سزایی دارد.

لهجه خیلی موثر است. و ممکن است در برخی موارد ۸۰٪ نتیجه را بوجود آورد. و ممکن است آن ۲۰٪ مقدمه آن ۸۰٪ باشد.

و یا در لهجه ممکن است حالتی منفی باشد که آن ۲۰٪ نور و صحنه و حالات طرف در شنونده تأثیر مثبت بگذارد.

این خیلی مهم است سن فردی که می‌خواهد طنز بگوید یا اجراء کند با کسی که طنز را می‌شنود باید مناسب باشد.

جنس مهم است برای زن - زن و برای مرد - مرد، طنز بگوید.

طنز اگر با دروغ، تهمت، توهین، تمسخر، اهانت، بدبینی و غلو کردن همراه باشد حرام است.

چهره شغلی بسیار مؤثر است که ما چه چهره‌ای را می‌خواهیم به نقد و طنز بکشیم. خود طنز باید حالات و حرکاتش مناسب باشد. حالات فرد بیسواد با مهندسی که مورد طنز قرار می‌گیرند فرق دارد. یکی نیست تیپ،



لازم را داشته باشد.

■ باز در صورتی که مسأله دیگری جز طنز

نداشته باشیم؟

□ وقتی بحث می‌کنیم به ترتیب است و به موارد استثناء نمی‌پردازیم. اگر می‌گوییم واجب است با همان شرایطی که در اول بود و بیان شد و کم و جوب جاری شود.

طنز زمانی طنز دینی است که آن شرایط را داشته باشد. طبیعی است وقتی از طریق تذکر و اخطار می‌توانیم نهی از منکر کنیم دیگر جای طنز اصلاً نیست. وقتی طنز در او موثر نیست اصلاً طنز نیست. مثل دزدی که در شهر و استانی خیلی قدرت دارد اصلاً به طنز ما گوش نمی‌دهد. طنز ما چه فایده دارد طنز باید موثر واقع شود. در بعضی موارد موضوع و جایگاه طنز نیست، طنز در اینها صدق پیدا نمی‌کند طنز در مواردی است که طرف شخصیت شناخته شده‌ای است و مورد اعتماد جامعه هم هست و طنز هم در او می‌تواند تأثیر بگذارد. به طنز ما هم تا حدی توجه خواهد کرد. خود او هم گوش نکند دیگران به او می‌رسانند. برخی افراد چون خودشان فرصت ندارند دیگران روزنامه می‌خوانند و خبر انتقاد را به آنها انتقال می‌دهند.

اگر می‌گوییم اینجا واجب می‌شود به این دلیل که فرد متجاهر به فسق هست از راههای دیگر هم مأیوس شدیم اینجا از طریق طنز وارد می‌شویم، واجب می‌شود هم بر گوینده هم بر سازنده هم بر نویسنده و ... یکی از موارد وجوب طنز در مورد افراد مغرض و

پس اگر می‌گوییم در این موارد حرام است اینطور نیست که استثناء نداشته باشد.

مواردی داریم که تمام این هفت خصوصیت در طنز وجود دارد. ولی در عین حال واجب است و آن کجاست. موضوع فرق می‌کند قواعد کلی که گفته می‌شود اگر رعایت شود دیگر حرمت از بین می‌رود.

مواردی که طنز واجب می‌شود:

۱- دفاع از یک ارزش مشروط بر اینکه موجب جسارت و تجری به گناه برای دیگران نشود اینجا واجب است.

۲- برای جلوگیری از یک ضد ارزش اینجا واجب است.

۳- از کسی که متجاهر به فسق است و همه می‌دانند و غیبت او هم اشکال ندارد.

بعضی موارد پیش می‌آید که شما می‌دانید ولی نمی‌توانید بطور مستقیم وارد شوید ولی می‌شود بوسیله تنظیم یک طنز یک ضد ارزش را از جامعه بردارید و یا زمینه اجراء یک ارزش را در جامعه تحقق بخشید. همین که بگویید به من مربوط نیست از یک امر واجب رو گردان شده‌اید. مثل کسی که نماز نخوانده باشد مگر اینکه کسی باشد که خودش واقعاً از دستش کاری نیاید، اما اگر کسی می‌تواند کاری انجام دهد باید به وظیفه خود عمل کند، زیرا به او هم مراجعه می‌شود بر او واجب است. تلاش خود را به هر صورت ممکن انجام دهد.



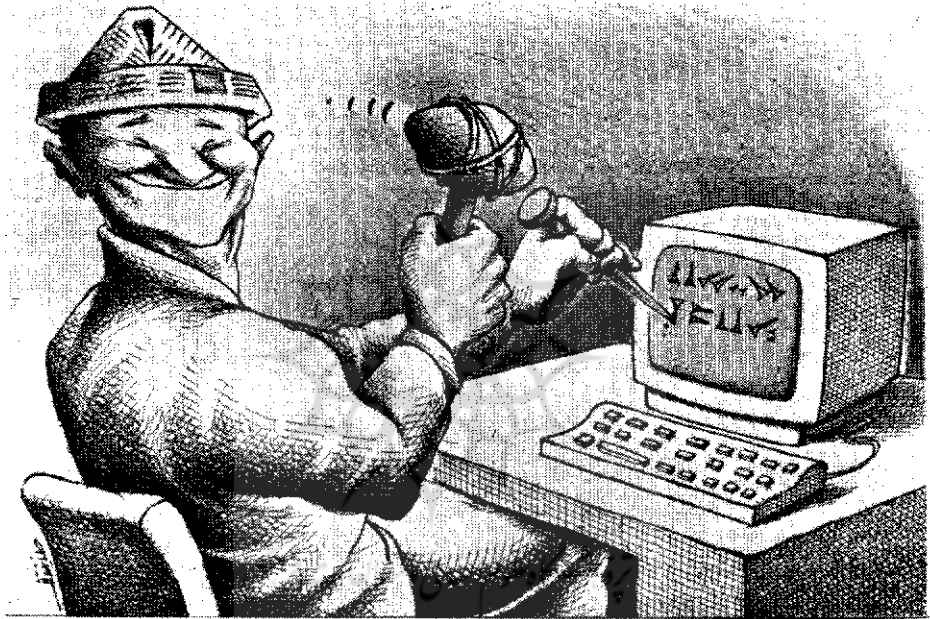
■ خصوصیات مکانی و مقامی سازنده طنز در

چیست؟

□ منظور از گاهی مکان خود سیماست. یعنی

جایگاهی که مورد نظر است گاهی نوشتار است گاهی

معاند است، اینجا حکم و جوب در صورتی که زمینه لازم در او بوجود نیاید مثلا ما با یک فرد ملحد باید مناظره کنیم. کی مناظره تحقق پیدا می کند در صورتی که او راضی به مناظره شود وقتی راضی نشد از راه مناظره نمی توانیم باید از راه قوای قهریه عمل کنیم.



سخن است در چه موقعیتی این طنز مطرح می شود. فرض کنیم ممکن است گاهی طنز را در یک زمانی بگذاریم که این زمان برای کسی که مورد طنز قرار گرفته اهانت محسوب شود. بعنوان مثال طنزی از یک استانداری یا وکیل و وزیری در برنامه کودک مطرح کنیم. تا در برنامه ای که مقدمه آن مسئله منفی است شاید در روزنامه ها بیشتر باشد.

کسی هم که مغرض و معاند است و طنز در او تأثیر ندارد و حاضر نیست طنز را بشنود و ببیند مثل اوایل انقلاب که بعضی گروهها دیدن تلویزیون و خواندن روزنامه و رادیو را برای هواداران خود حرام کرده بودند. در آن فضا جای طنز نیست.
۱- در بعضی طنزها ما هر زمان هم همین است که باید سازنده باشد.



طنز از یک وزیر را در بخش نیازمندیها یا تبلیغاتی مطرح کنیم این مکان مناسب نیست.

مکانی که انتخاب کردیم باید مکانی باشد که با شخصیت او تناسب داشته باشد. زمان و مکان و فضای مناسبی را برای طنز انتخاب کنیم. همچنین طنز را از جهات گروه سنی، جنسی، اجتماعی هم مناسب با آن فرد مورد نظر انتخاب کنیم.

و در مجموع طنز را بگونه‌ای انتخاب کنیم که از نظر مکان، زمان و موقعیت با آن مورد، تناسب خاصی داشته باشد اگر از بچه‌ها انتقاد می‌کنیم با بچه‌ها، از خانواده در خانواده، فضای گفتگوی خانواده، وزیر، وکیل در فضای متناسب با شخصیت طرف مقابل باید باشد.

■ ویژگیهای فرد طنز را در چه می‌دانید؟

□ کسی که می‌خواهد تنظیم طنز کند چه شعر چه مقاله چه کار هنری باید:

- به مبانی دین آگاه باشد.

- به قوانین اجتماعی اشراف داشته باشد.

- اصول و ملاکات عقلی و منطقی را بداند.

- روحیه متعادل و متین داشته باشد روحیه افراط

و تفریط نداشته باشد.

- مراتب ارزشها و ضد ارزشها را بداند.

به مراحل و شرایط طنز آگاهی داشته باشد که

بعضی از طنزها را نسبت به بعضی افراد مطرح می‌کنیم.

اصلاً شخصیت طرف را پائین می‌آوریم. ممکن است

فردی اشتباهی داشته باشد ولی به این معنی نیست که ما

طرف را خراب کنیم.

وظایف افرادی را که مورد طنز قرار می‌دهد بداند.

مرزها را کاملاً رعایت کند. نباید در طنز افراط و تفریط

مطرح کنیم و همچنین بتوانیم تشخیص دهیم که اگر دروغ

است از دروغهای مجاز است. اگر غیبت است از غیبتهای

مجاز می‌شود، اگر توهین است از توهین‌های مجاز است.

اگر این باشد طنز نتیجه دارد. اگر ندانیم طنز کجایش حرام

و کجایش حلال است از نظر قانونی چه مراحل دارد؟

تبعاً اثرات منفی خواهد داشت.

■ بفرمایید طنز از چه کسی خوب است؟

□ ۱ - احتمال نتیجه از طریق طنز بدهیم. در امر به

معروف هم همین است یکی از شرایط امر به معروف

این است که احتمال تأثیر بدهیم.

۲ - احتمال نتیجه برای دیگران بدهیم.

۳ - از تأثیر روشهای دیگر مأیوس باشیم.

۴ - اثر منفی برای اعضای دیگر جامعه نداشته

باشیم. این طنز نباید عمومی مطرح شود و باید خصوصی

باشد از طریق طنز مکاتبه‌ای و فردی مطرح شود.

۵ - اثر منفی برای فرد مورد طنز نداشته باشد و اگر

اثر منفی دارد باید مراتب طنز را پائین بیاوریم یا موقعیت

انتقال را پائین بیاوریم که اثر منفی برای فرد نداشته باشد.

در قالب دیگر مطرح کنیم که بپذیرد.

۶ - یقین به رفتار نامطلوب فرد خاصی داشته باشیم.

وقتی از کسی رفتاری می‌شنویم یا می‌بینیم یا می‌خوانیم و

از نظر ما این رفتار پسندیده نیست باید یقین کنیم که این



چند میلیون انسان‌اند را بسازیم و سرانگشت هیچ کدام مثل هم نباشد.

یا در همین آیه ۳۵ سوره یونس می‌فرماید «افمن یهدی الی الحق احق ان یتبع» در برابر مسئله امامت است که حضرت حق (جَلَّ و عَلَّی) می‌فرماید آیا کسی که شما را هدایت به حق و دعوت به حق می‌کند ترغیب به حق می‌کند این شایسته و بایستگی تبعیت دارد یا کسی که شما را هدایت نمی‌کند مگر هدایت بشود، پیامبر و ائمه علیهم‌السلام اینها خودشان هدایت تکوینی داشتند عصمت داشتند اینها «احق ان یتبع» هستند یا کسی که عصمت و عدالت ندارد این چطور می‌تواند شما را هدایت کند.

ما در قرآن طنز داریم. و از آیات شریفه‌ای استفاده می‌شود که خداوند هم در دنیا و آخرت افرادی را مورد طنز قرار می‌دهد.

مثل برخی که می‌گویند هر کسی حکومت دستش بود اولوالامر است. این کسی که خودش بایستگی هدایت در او نیست چطور می‌تواند دیگران را هدایت کند. این خودش یک طنز است. که برخی فکر می‌کنند آنها از هر کسی که پیروی کردند آنها را به حق می‌رساند و به هدایت دعوت خواهند کرد.

یا آیاتی «انتم تخلقونه ام نحن الخالقون» شما او را خلق کردید یا ما خلق کردیم.

«انتم انزلتموه من المزن ام نحن المنزلون» شما آب را از آسمان آوردید یا ما آوردیم، آنها ادعا

رفتار درست است واقعاً این کار را کرده است.

■ یکی از بحثهایی که این روزها داشتیم این است که آیا ما در قرآن طنز داریم یا نه برخی معتقدند که ما در قرآن طنز نداریم برای اینکه قرآن هر چه هست حقیقت است. لذا معنا ندارد که طنز داشته باشد و برخی در مقابل می‌گویند:

که ما طنز داریم نمونه‌هایی هم مطرح کرده‌اند از جمله ... انک انت العزیز الکریم که افرادی که در این دنیا خود را عزیز و کریم می‌دانسته‌اند در آن دنیا هدایشان می‌دهند که بچشید یا داستان حضرت ابراهیم که وقتی همه بتها را شکست آمدند از او سوال کردند و گفت:

نگاه کنید تبر روی دوش بت بزرگ است از او بپرسید اینها را طنز دانسته‌اند نظر شما در رابطه با طنز در قرآن چیست؟

□ اگر با آن شرائط و ضوابطی که برای طنز بیان شد بپذیریم بله ما در قرآن طنز داریم. و از آیات شریفه‌ای استفاده می‌شود که خداوند هم در دنیا و آخرت افرادی را مورد طنز قرار می‌دهد.

مثال: بعضی گفته‌اند که خدا چطور ما را خلق کرده که از دنیا رفتیم چطور ما را به دنیا می‌آورد؟
«ایحسب الانسان ان لن نجمع عظامه بلی قادرین علی ان نسوی بنائه.»

انسان فکر می‌کند ما نمی‌توانیم استخوانهایی را جمع کنیم چطور ما می‌توانیم سرانگشت افراد و مردم را که



می کردند که ما همه چیز در اختیارمان است قدرت و توان داریم خداوند متعال این حرف را اینگونه پاسخ می دهد. «اتتم تزرعونه ام نحن الزارعون» شما آن را کشت کردید یا ما رویانديم.

يا «مثل الذين حُمّلوا التوريه لم يحملوها كمثل الحمار يحمل اسفارا.»

بعضی فکر می کردند علم داشتن، آگاه بودن و عالم بودن کافیست در صورتی که قرآن می فرماید که اینها که علم دارند اما عمل ندارند مثل چهارپا و الاغی هستند که چیزی را حمل می کنند اما در حمل آنها تأثیر و نتیجه ای نیست. «اتتم اشد خلقا ام السماء بنیها.»

آیا خلقت شما مشکل تر است یا خلقت آسمان شما می گوید چطور می شود که خدا ما را خلق کرده خدا چطور توانسته ما را خلق کند. خلقت شما سخت تر است یا خلقت آسمانها اینها همه در برابر حرفهایی است که هر کدام از این حرفها را کفار یا منافقین یا مشرکین به صورتی مطرح کرده اند و خداوند به صورتی جواب اینها را داده که نه، حق این است که خدا و اسلام و ائمه می گویند.

□ با تشکر مجدد از اینکه زحمت کشیدید و به

سؤالات ما جواب دادید. ■

پی نوشتها:

(۱) به کتب فقهی و اخلاقی مراجعه شود.

سید محمد
حاجی